

شوالیہ تاریکی

فیلم نامہ و استوری بورڈ

جاناٹان نولان، کریستوفر نولان

ترجمہ امیر عطا جولایی



چترنگ

فہرست

۹	مقدمہ مترجم
۱۱	فیلم نامہ شوالیہ تاریکی
۱۶۹	استوری بورڈ

آتش. شعله‌های عظیم. چیز سیاه‌رنگی ظاهر می‌شود. علامت خفاش است. بزرگ‌تر می‌شود. تصویر را از سیاهی پُر می‌کند.

برش به:

روز. تصویر بر فراز برج‌های مرکز شهر گاتهام در حرکت است...
به ساختمان یک اداره می‌رسد... مقابل پنجره‌ای بزرگ...
شیشه می‌شکند و پشت پنجره نمایان می‌شود.

داخلی. اداره. ساختمان مرتفع. روز

مردی را می‌بینیم با ماسک دلک. هفت‌تیری مجهز به صداخفه‌کن در دست دارد که لوله‌اش دود می‌کند. پوکه‌ای را بیرون می‌اندازد. او دوپی است. روبه‌مرد دوم، هپی، می‌کند. او هم ماسک دلکک به صورت زده است. با تفنگ کابل‌پرت‌کنی که در دست دارد یک قدم جلو می‌آید و آن‌طرف خیابان روی بام ساختمانی کوتاه‌تر را نشانه می‌رود و شلیک می‌کند. دوپی کابل را به قلاب مجهز می‌کند و یک ساک ابزار را بیرون می‌فرستد. قدم از پنجره بیرون می‌گذارد...

دویی آره. برای ترسوندن مردم صورتشو مثل جنگجوه‌های قبیله‌ها نقاشی می‌کنه.

خارجی. بانک. ادامه

گرامپی، چاکلز و بوزو از اتومبیل پیاده می‌شوند و با اسلحه به درون بانک هجوم می‌برند.

داخلی. بانک. روز

نگهبان بانک سرش را بلند می‌کند. گرامپی به سقف شلیک می‌کند. مشتری‌ها جیغ می‌کشند. چاکلز نگهبان را روی زمین می‌کشد. وقتی گرامپی و بوزو گروگان‌ها را دوره می‌کنند، یکی از تحویل‌دارها دکمه‌ای را که زیر باجه‌اش تعبیه شده فشار می‌دهد. زنگ خطری بی‌صداست.

خارجی. روی بام. روز

دویی به دستگاه هشداردهنده دستی خود نگاه می‌کند.

دویی اینم از زنگ خطر [دکمه‌ای را می‌فشارد]. ردیف شد. خنده‌داره. به ۹۱۱ وصل نشد. داشت به یه شماره خصوصی وصل می‌شد.

پشت سر او، هپی اسلحه خود را که صداخفه‌کن دارد بالا می‌آورد.

هپی مشکلیه؟

دویی نه، نه. تمومه.

هپی شلیک می‌کند. دویی بر زمین می‌افتد. هپی ساک را برمی‌دارد و در ورودی پشت‌بام را محکم باز می‌کند...

داخلی. راه‌پله. بانک. روز

... و با سرعت راه‌پله را به طرف زیرزمین می‌دود. در را محکم باز می‌کند...

خارجی. ساختمان مرتفع. روز

... آن دو، معلق در هوا، در امتداد کابل رو به پایین می‌لغزند... روی بام ساختمان کوتاه‌تر آن طرف خیابان فرود می‌آیند.

خارجی. مرکز شهر گاتهام. روز

مردی در گوشه خیابان پشت به ما ایستاده و ماسک دلک در دست دارد. یک اتومبیل شاسی‌بلند پیش پایش توقف می‌کند. مرد ماسک را به صورت می‌زند و سوار اتومبیل می‌شود. داخل اتومبیل، دو مرد دیگر هم ماسک به صورت دارند.

گرامپی شدیم سه نفر. شروع می‌کنیم.

یکی از دلک‌ها که دارد اسلحه اتوماتیک خود را مسلح می‌کند سرش را بالا می‌آورد.

چاکلز همین؟ سه نفر؟

گرامپی دو نفر روی پشت‌بومن. هرکی یه سهم می‌بره. پنج تا سهم خلیه.

چاکلز شیش تا. کسی که نقشه رو کشیده فراموش نکن.

گرامپی آره؟ فکر کرده می‌تونه هیچ کاری نکنه و سهم ببره؟ پس فهمیدم چرا بهش می‌گن جوکر.

چاکلز اسلحه خود را بازبینی می‌کند. گرامپی اتومبیل را مقابل بانک فرست نشنال گاتهام نگه می‌دارد...

خارجی. روی بام. بانک. ادامه

دویی تابلوبرق را با ضربه‌ای باز می‌کند.

هپی چرا بهش می‌گن جوکر؟

دویی شنیدم خودشو گریم می‌کنه.

هپی گریم؟

دویی کلاف‌های کابل آبی‌رنگ ضخیم را بیرون می‌آورد.